

ساکنی، جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، خرم آباد [۱۳۴۲؟ ش]؛ محمدعلی بن محمدرضا سیاح، خاطرات حاج سیاح، یا، دوره خوف و وحشت، چاپ حمید سیاح و سیف الله گلکار، تهران ۱۳۵۹ ش؛ عبداللطیفین ایطبیل شوشتی، تحفة العالم، و، ذیل التحفه، چاپ صمد موحد، تهران ۱۳۶۳ ش؛ جرج ناتانبل کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غ، وجید مازندرانی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ بهمن کربی، جغرافیای منفصل تاریخی غرب ایران، تهران ۱۳۱۶ ش؛ آقوسون گابریل، تحقیقات جغرافیائی راجع به ایران، ترجمه تعلیم خواجه‌نوری، چاپ هومان خواجه نوری، تهران ۱۳۲۸ ش؛ آن کاترین سوابن فورد لوتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه متوجه امیری، تهران ۱۳۶۲ ش؛ فردیک جیمز مایرلی، عملیات در ایران؛ جنگ جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۹، ترجمه کاره بیات، تهران ۱۳۶۹ ش؛ زاکزان ماری درمورگان، جغرافیای غرب ایران، ترجمه کاظم ودبیع، تبریز ۱۳۳۹ ش؛ ولادیمیر نودورویچ میتورسکی، لرستان و لرها، در دو سفرنامه درباره لرستان، نوشته سیبل جان ادموندز و کلمت ارگاستس دوبید، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار، تهران ۱۳۶۲ ش؛ محمدصادق نامی اصفهانی، تاریخ گیتی‌گشا، با مقدمه سعد نفیسی، تهران ۱۳۶۲ ش.

/ مقصوده بادنج /

پشت مشهدی → کاشان

پشت مشهدی، سادات، خاندانی از علماء و فضلای شیعی قرن دوازدهم و سیزدهم، پشت مشهد از محلات مشهور کاشان است که به قولی مدفن حبیب بن موسی، از اولاد امام باقر یا امام کاظم علیهم السلام، است. این خاندان به علت سکونت در محل ملکور به این نام شهرت یافتند (خوانساری، ج ۲، ص ۱۲۷؛ حبیب‌آبادی، ج ۵، ص ۱۵۷۵). از مشاهیر سادات پشت مشهدی، یکی سید‌ماجدین ابراهیم حسینی است و دیگری سید‌محمد تقی بن میر‌عبداللهی. سید‌ماجدین ابراهیم حسینی، جد خاندان پشت‌مشهدی، از زمان ولادت او اطلاع دقیقی وجود ندارد، تنها می‌دانیم که از علمای بزرگ اواخر عهد صفوی و دوره نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰) بوده است. از تعبیر یکی از شاگردانش که مجموعه‌ای از رساله‌های وی را استنساخ کرده دانسته می‌شود که سید‌ماجد تا ۱۱۵۲ زنده بوده است (ـ حسینی، ص ۴۹۹).

علاوه بر این، به نوشته ضرایسی (ص ۲۸۷) و صحابی سخن (ص ۵۲)، در دعوتی که به دستور نادرشاه از علمای بلاد از شیعیان و اهل سنت برای تشکیل جلسه مناظره و گفتگو صورت گرفت، سید‌ماجد به نایندگی از علمای کاشان رواند شد اما در

شکست خوردند (رزم آرا، ۱۳۲۰ ش الف، ص ۱۰۵، ۱۰۷). در جنگ جهانی اول، نام پشتکوه به سبب نزدیکی به مرز در بسیاری از منابع بد عنوان منطقه‌ای مهم ذکر شده است (ـ گابریل، ص ۳۵۴؛ ایزدپناه، ج ۱، ص ۳۰۲؛ مایرلی، ص ۹۱-۹۰، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۱۶). در ۶ ش / ۱۹۲۷ استارک^۱ زیباترین سکنه بغداد را لرها پشتکوهی می‌داند که در گمرکخانه بغداد کار می‌کردند و سالی یک بار نوع معیشت خود را برای تعداد کمی تماشاچی به نمایش درمی‌آوردند (ص ۴۷-۴۸). لمتون^۲ (ص ۵۰۹-۵۱۰) از مالیات «شانخ شماری» یاد می‌کند که به موجب آن خانها مبلغی به ازای تعداد دام از اهالی دریافت می‌کردند، و همچنین از مالیات «تش شماری» (آتش شماری) که به موجب آن هر گاه اجاق خانواده‌ای روشن بود می‌باشد به ازای آن مبلغی به خان پردازد.

در دوره رضا شاه، علی‌رغم برخی مقاومتها، از نفوذ خانها کاسته شد و پشتکوه تحت اداره حکومت مرکزی درآمد. در ۱۳۰۸ ش، در پی لشکرکشی فرماندهان نظامی به لرستان، خوانین در پشتکوه سلاحهای خود را تحولی دادند که تمامی آنها سوزانده شد. در همان سال حسین آباد پشتکوه که مقرب تیمسار کوپال بود به محاصره پدالله‌خان، پسر والی اسبق، و عده‌ای از اهالی پشتکوه درآمد اما نیروی اعزامی از کراماشاهان محاصره را در هم شکستند (رزم آرا، ۱۳۲۰ ش ۳، ص ۱۸-۱۹). ساکنی، ص ۳۱۶).

(نیز سے ایلام^۳).

منابع: فریا استارک، سفری به الموقت لرستان و ایلام، ترجمه و حواشی از علی‌محمد ساکنی، تهران ۱۳۶۴ ش؛ حمید ابرهیمی، تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان، تهران ۱۳۷۶ ش؛ داسیلی ولادیمیر درویچ بارتولد، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه از روسی به انگلیسی از سرات سوچک، ترجمه به فارسی از همایون صفتیزاده، تهران ۱۳۷۷ ش؛ جان ر. بری، کریم خان زند، ترجمه علی‌محمد ساکنی، تهران ۱۳۶۵ ش؛ حمددالله‌بن ابی‌بکر حدالله مستوفی، تاریخ گزیده، چاپ عبدالحسین نوائی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ دایرة المعارف فارسی، به سربرستی غلامحسین مصاحب، تهران ۱۳۷۴-۱۳۴۵ ش؛ کلمنت اوکاشتیس دو بد، سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران ۱۳۷۱ ش؛ ناصر راد، تاریخ سرزمین ایلام، ج ۱: از روزگاران باستان تا انقراض حکومت والیان لرستان و ایلام، تهران ۱۳۷۴ ش؛ هنری کرزیک واولینسون، سفرنامه راولینسون؛ گذر از زهاب به خوزستان، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران ۱۳۶۲ ش؛ علی رزم آرا، جغرافیایی نظامی ایران؛ پشتکوه، تهران ۱۳۲۰ ش الف؛ همو، جغرافیایی نظامی ایران: لرستان، تهران ۱۳۲۰ ش ب؛ علی محمد

میان راه در کرمانشاه درگذشت و طبق وصیت همانجا به خاک سپرده شد. این دعوت در ۱۱۵۶ بوده است (مرسوی، ج ۳، ص ۹۸۲-۹۸۳).

از سیدماجد آثاری در حکمت و فقه برخای مانده است که بدین قرارند: *الخلل والكافش الحقیقیان؛ نفی الهیولی؛ حراثی بر اشارات و شنا و ایقاظ النائمین و ایعاظ الجاهلین که رساله‌ای در تحقیق غنا است.* مؤلف در این رساله به رسالت فی تحریم الغناء از محقق سبزواری (متوفی ۱۰۹۰) نظر داشته و به بحث درباره غنا، احادیث مجوز بر غنای عرفی و نکوهش فتوای به تحریم مطلق غنا و تحریم کنندگان همه مصاديق لئوی غنا می‌پردازد. درباره مطالب این رساله متأثرانی چند صورت گرفته است، از جمله میرزا ابراهیم خوزانی، فاضی اصفهان (مقتول در ۱۱۶۰)، رساله تحریم الغناء را در رد آن نوشت؛ همچنین برخی مطالب رسالت فی تحریم الغناء از محمد رسول کاشانی (زنده در ۱۲۵۸) و بخشی از رسالت فی الغناء از مولی اسماعیل خسروجوبی (متوفی ۱۱۷۳) و رسالت ذریعة الاستفقاء از ملاحیب الله کاشانی ناظر به همین رساله‌اند (آقا‌بزرگ طهرانی، طبقات: *الکواکب المنشر*، ص ۶۲۸؛ همو، *الذریعه*، ج ۲، ص ۴۹۹-۵۰۵؛ حبیب‌آبادی، ج ۵، ص ۱۵۷۶؛ حسینی، ص ۴۹۹-۵۰۳). رساله‌های مذکور در میراث فقهی به چاپ رسیده‌اند. یکی از فرزندان سیدماجد، میرابراهیم، در علم و عمل بی‌نظیر بوده است (ضرابی، ص ۲۸۷-۲۸۸).

سیدمحمد تقی بن میرعبدالحق بن میرابراهیم، عارف، ادیب و فقیه اصولی قرن سیزدهم، در ۱۱۸۹ به دنیا آمد در آغاز در زادگاهش نزد استادانی چون ملامه‌نیزه‌نراقی به تحصیل پسرداخت، سپس به عتبات عراق رفت و در مجلس درس سیدعلی حایری، معروف به صاحب ریاض، شرکت کرد. وی پس از کسب اجازاتی از سیدعبدالله کاظمی معروف به سیدشیر، شیخ احمد احسانی، سیدمحمد مجاهد و محقق قمی صاحب قوانین، به کاشان بازگشت و به تدریس پرداخت، جمع کثیری از علماء و فضلا، از جمله ملاعلی مدد سارجوی، شیخ محمد جاسبی، سیدحسین لاچوردی و ملاعبدالباقي، در درس او حاضر می‌شدند (خوانساری، همانجا؛ کاشانی، ص ۷۴؛ آقا‌بزرگ طهرانی، طبقات: *الکرام البررة*، ج ۲، قسم ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰؛ صهباً سخن، ص ۵۳-۵۷؛ مقصوم علیشاه، ج ۳، ص ۵۷۷). سیدمحمد تقی به مکه، مشهد، نائین و قم سفر کرد. وی در یکی از دیدارهایش با محقق قمی به فتحعلی‌شاه معروف و ستایش شد و فتحعلی‌شاه به سید ارادت یافت. محمدشاه قاجار و برخی از شاهزادگان قاجار، مانند سلطان محمد میرزای سيف‌الدوله، نیز در شمار مریدان سید بوده‌اند (صهباً سخن، ص ۵۷-۵۸). سیدمحمد تقی بیشتر اوقات به

ذکر و ریاست می‌پرداخت و اهتمام کمتری به تألیف و تصنیف داشت. ملاحیب الله کاشانی (من ۷۵) به وی کراماتی نیز نسبت داده است. برخی گفته‌اند که سید به تصرف تمایل داشته و به حاج محمدحسن نایسی (متوفی ۱۲۵۰) ارادت می‌ورزیده، که به نظر برخی اختلاف احتمالی میان وی و استادش، ملااحمد نراقی، متاثر از همین مسئله بوده است (آقا‌بزرگ طهرانی، طبقات: *الکرام البررة*، ج ۲، قسم ۱، ص ۲۲؛ حبیب‌آبادی، همانجا؛ خوانساری، ج ۲، ص ۱۲۸).

محمد تقی در حدیث و رجال تبحر داشت، و آثاری نیز در فقه و اصول نگاشت. از جمله تأثیفات او رسالت حججه المظنة، تنتیح الاصول، و رساله‌ای در مباحث الفاظ است (آقا‌بزرگ طهرانی، *الذریعه*، ج ۶، ص ۴۷۷؛ همو، طبقات: *الکرام البررة*؛ کاشانی، همانجاها).

سیدمحمد تقی در ۱۲۵۸ از دنیا رفت و به امر محمدشاه قاجار برای وی آرامگاه مجللی در صحن مقدس حبیب بن موسی ساخته شد که اکنون زیارتگاه است. از فرزندان او دو تن قابل ذکرند: سیدمهدی، از شاگردان شیخ انصاری، و سیدعبدالرحیم که از علمای بزرگ آن دوران و مورد تکریم دربار ناصری بود. سیدعبدالرحیم بعد از اتمام دروس سطح در کاشان، سالهای زیادی از حوزه درس شیخ انصاری در نجف بهره گرفت، سپس به زادگاهش بازگشت و به انجام تکالیف شرعی و ارشاد مردم روی آورد. وی در ۱۲۹۴ درگذشت. دو فرزند سیدعبدالرحیم، اسدالله و جعفر در زمرة علمای دینی شیعی بوده‌اند (آقا‌بزرگ طهرانی، طبقات: *الکرام البررة*، ج ۲، قسم ۲، ص ۷۲۵؛ کاشانی، همانجا؛ ضرابی، ص ۲۸۹-۲۸۸؛ نراقی، ص ۱۱۱).

منابع: محمدحسن آقا‌بزرگ طهرانی، *الذریعه* الی تصانیف الشیعه، چاپ علی نقی متزدی و احمد متزدی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳ همو، طبقات اعلام الشیعه، ج ۲، *الکرام البررة*، مشهد ۱۴۰۴ همان: *الکواکب المنشر* نی کلشن الشانی بعد العشرة، چاپ علی نقی متزدی، تهران ۱۳۷۲ ش؛ محمدعلی حبیب‌آبادی، مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار، ج ۵، اصفهان [تاریخ مقدمه ۱۳۹۶]؛ ماجدین ابراهیم حسینی، ایقاظ النائمین و ایعاظ الجاهلین، در غنا، موسیقی، چاپ رضا مختاری و محسن صادقی، ج ۱، قم ۱۳۷۶ ش؛ محمدباقرین زین العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۲-۱۳۹۱ صهباً سخن، کاشان: انجم ادبی ص ۱۳۴۸؛ عبدالرحیم ضرابی، تاریخ کاشان، چاپ ایرج اشار، تهران ۱۳۵۶ ش؛ حبیب‌الله بن علی مدد کاشانی، لباب الالقب فی القالب الاطیاب: فیه معرفة احوال الرجال من علماء الشیعه، کاشان ۱۳۷۲ ش؛ محمدکاظم مردی، عالم‌آرای نادری، چاپ محمدباقرین زین العابدین ریاضی، تهران ۱۳۶۴ ش؛ محمدمعصومین زین العابدین معصرم علیشاه، طرائق الحقائق، چاپ محمدجعفر محجوب، تهران

سن پترزبورگ، درن^۱، است که نخستین دستور زبان علمی پشتو را در ۱۲۶۱ و ۱۸۴۵ میلادی از متون این زبان را با واژه‌نماد در ۱۲۶۳ و ۱۸۴۷ میلادی منتشر کرد.

در نیمة دوم قرن سیزدهم / نوزدهم و آغاز قرن چهاردهم / بیستم، تئی چند از دانشمندان غربی (ا. تراپ، ج. دارمستر، گایگر، مورگنستیرنه و دیگران) یک رشته کارهای علمی درباره پشتو (دستور، واژگان، کتابهای درسی و ریشه‌شناسی) عرض کردند؛ و بسیاری از این آثار، بویژه نویشته‌های دانشمندان انگلیسی، مانند بلو^۲ و راورتی^۳، برای پاسخ‌گویی به نیازهای صرف‌آعلمی پدید آمد.

در دهه ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ ش/ ۱۹۴۰ تا ۱۹۳۰، مطالعات درباره پشتو در مسکو و لینینگراد از سرگرفته شد و پرخی از آثار برتلس^۴ در این دوره به چاپ رسید. آموزش پشتو را در مسکو اصلاح^۵ و بعداً در دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ ش/ ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ در لینینگراد، با گالابیوف^۶ بنیاد نهادند. نتیجه این کار، انتشار یک دوره آثار جدید شد که هدف‌شان پیشتر تشریح جنبه‌های گوناگون دستوری زبان پشتو بود. نخستین فرهنگ‌های لغت افغانی و دستورهای زبان افغانی، با کوشش درویانکف^۷ منتشر شدند.

متاسفانه، دانشمندان روس به تاریخ زبان توجه زیادی نکردند، و کارهای بنیادی در این زمینه مرهون کوشش‌های دانشمند نروزی، مورگنستیرنه، است.

منابع:

Encyclopaedia Iranica, s.v. "Afghanistan. XII: literature" (by R. Farhādī); Iosif Mikhailovich Oranskii, *Les langues iraniennes*, tr. Joyce Blau, Paris 1977.

(که منبع اصلی در نگارش این مقاله بوده است).

/ ایرج پروشانی /

پراکنده‌گی جغرافیایی، نام و گوییشها.

پشتو (Pa/پشتو) زبانی است که در استانهای جنوب و جنوب شرقی افغانستان و بین میانمان متأخر شمال این کشور، در ایالت سرحد شمال غربی و بلوچستان پاکستان، [در سرزمین کشمیر]، و در نوار مرزی شرق ایران به آن سخن می‌گویند. براساس آخرین برآوردها، حدود هشت میلیون تن در افغانستان، شش میلیون تن در پاکستان، و حدود ۵۰۰۰۰ تن در ایران به این زبان تکلم می‌کنند. بدین ترتیب، پشتو در میان زبانهای ایرانی از لحاظ اهمیت در مرتبه دوم قرار دارد.

اگرچه نام «افغان» به مراتب زودتر از کلمه پشتو در منابع قد شده است، مسلماً واژه پشتو^۸ نامی اصلی و بومی است. نظریه

۱۳۴۵۱۳۳۹ ش؛ حسن نراقی، آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، تهران ۱۳۷۲ ش.

/ لیلی کریمیان /

پشتو (یا پختو)، از زبانهای ایرانی شرقی دوره جدید. کلیات. کهترین آثار پشتو به قرنهای نهم و دهم / پانزدهم و شانزدهم تعلق دارد. ظاهرآ پشتو مذهبی متمادی تنها زبان گشتاری بوده و آثار ادبی بسیار اندکی داشته است. در ۱۳۱۵ ش/ ۱۹۳۶، دولت افغانستان پشتو را زبان رسمی اعلام کرد، از آن پس به این زبان روزنامه و کتابهای درسی و ادبی پدید آمد و آموزش آن در آموزشگاهها آغاز گردید. در قانون اساسی جدید افغانستان (۱۳۴۳ ش/ ۱۹۶۴)، هر دو زبان رایج در این کشور، یعنی دری و پشتو، به عنوان زبانهای رسمی ملی خوانده و پذیرفته شدند (ایرانیکا، ذیل «افغانستان. ۱۲: ادبیات»). مذهب است که از گویش قندهاری و لهجه پشاوری به عنوان زبان پایه نوشتار ادبی استفاده می‌شود، و در بیست سال اخیر این دو صورت زبان ادبی، بتدریج، به یکدیگر تزدیک شده و زبان ادبی مشترک افغانها را پدید آورده‌اند.

زبان پشتو، از لحاظ نظام آوایسی و دستوری، با زبانهای فارسی و تاجیکی اختلافات بنیادی دارد، مثلاً در این زبان برخلاف فارسی و تاجیکی، که تکید معمولاً روی آخرین هجای کلمه است، جای تکید، آزاد و اختیاری است، و این مطلب در نظام دستوری زبان اهمیتی ویژه دارد.

خطی که زبان پشتو بدان نویشته می‌شود خط فارسی است که در آن تغییراتی داده شده تا با این زبان متناسب گردد. پشتو دارای هفت گونه واکه یا مصوت است (آ، آ، ئ، ئ، ئ، ئ، ئ) و در دستگاه همخوانهای آن چهار سایوج (dz، c، گ، ئ) و یک رشته همخوان برگشتی (نوکزبانی) خاص وجود دارد (ء، ئ، ئ، ئ، ئ، ئ، ئ). در اسم علاوه بر شمار، جنس (مذکور و مؤنث) و دو حالت صرفی (صرفی و غیرصرفی) بر جای مانده است. وابسته‌های اسم که مانند حفت پیش از آن می‌ایند، در جنس و شمار و حالت با آن مطابقت دارند. صرف افعال گذرا در حالت ماضی با ساختمان ارگاتیو نمایش داده می‌شود که در آن فاعل عمل دارای حالت غیرصرفی است و مفعول دارای حالت صرفی. مبتدا یا نهاد در جنس و شمار با مفعول مطابقت می‌کند (مثال: ماته‌لیله: ترا دیده‌ام).

در زمینه مطالعات علمی زبان پشتو، فضل تقدم با دانشمندان روس و بویژه با ایرانشناس برجهسته دانشگاه